

جغرافیای تاریخی لرستان در عهد ایلخانان

پژوهشگر و نویسنده: فریبا اعظمی
دانشجوی مقطع دکتری تاریخ ایران

بخش: دوم

نظامی کرد؛ اما مقصود او برآورده نشد تا هنگامی که هولاکوخان به ایران لشکر کشی کرد. او (بدرالدین) به همراه گروهی از مغولان از طریق لرستان و منطقه گریت به خوزستان و بعد بغداد راهنمایی کرد (جوینی، ۱۳۸۵: ۴۷۳-۴۷۱) بدلیسی، او (بدرالدین) را حاکم عادل می دانند. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۱)

از میان مورخان تنها مولف منتخب التواریخ معینی اشاره ای کلی به سیاست مالی او (تاج الدین) در برابر مغولان دارد که وی پیوسته امرای مغول را به وعده پرداخت وجوه و اموال می فریفت و به این وسیله نظر آنان را جلب می کرد و کار خود پیش می برد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۱۶) این رویه را نسبت به کسانی که از آنان مبالغی را قرض می گرفت نیز معمول می داشت. از این رو بسیاری از کسان از وی (تاج الدین) ناراضی شدند؛ به ویژه امرای مغول درصدد تلافی اقدامات او برآمدند. سپس همگی امرا به اباقاخان صورت حال عرضه کردند (همان: ۲۱۷) و در نتیجه ایلخان اباقا دستور قتل وی را در سال ۶۶۷ ه. ق صادر کرد. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۸)

تداوم حاکمیت اتابکان لر کوچک

به مدت ۵ قرن

حکایت از تسلط و نفوذ

پیش از حد این حکومت محلی در میان مردم

این منطقه کوچک دارد.

پس از کشته شدن تاج الدین شاه، اباقاخان حکمرانی لر کوچک را میان دو فرزند بدرالدین مسعود یعنی فلک الدین حسن و عزالدین حسین تقسیم کرد. فلک الدین حسن حاکم ولاء بود و عزالدین حسین حاکم اینجو و ولیعهد برادر بود. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۲) هر دو برای توسعه متصرفات خود دست به اردو کشی زدند و حدود قلمرو آنان از نهاوند تا شوشتر و از اصفهان تا مناطق عرب نشین بود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۸) برخلاف سایر اتابکان لر کوچک که سپاهی دائمی نداشتند، آنها سپاهی مرکب از هجده هزار نفر تشکیل دادند و توانستند در غرب کشور برای خود قدرتی به وجود آورند. (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ج ۱، ۱۲۳) در کتاب تاریخ جامع ایران به نقل از منتخب التواریخ آمده است که امن و استقامتی که در آن زمان در لرستان بود، هیچ مورخی در هیچ تاریخی مثل آن نشان نمی دهد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۱۷) ایلخان گیخاتو در

ایلخانان و تثبیت حکومت اتابکان لر کوچک

گور شجاع الدین به دلیل عدالت زیارتگاه لران بود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۳) در بیست کیلومتری جنوب خرم آباد بر روی کوهی دهکده ای سبز و خرم به نام «شاهنشا» وجود دارد. وجه تسمیه این دهکده به واسطه گنبدی است که بر روی مقبره ای به این نام قرار دارد و مورد احترام مردم است. به احتمال زیاد این گنبد مربوط به اتابک خورشید است. (ایزد پناه، ۱۳۵۰: ج ۲، ۳۸-۳۷)

راولینسون سنگ نوشته شهر خرم آباد را به شجاع الدین نسبت می دهد و می گوید نام شجاع الدین را روی این سنگ خوانده است. (آریا، ۱۳۷۶: ۳۵) اما ساکی می گوید که علامه قزوینی آن را متعلق به محمود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی می داند. (ساکی، ۱۳۴۳: ۲۲۷-۲۲۶)

خلیفه الناصر الدین الله جهت تسلط خود بر قلمرو اتابکان لر کوچک، به بهانه ای شجاع الدین خورشید را عزل و خواستار واگذاری قلعه مانگره شد. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۲) این امر به وقوع نخستین چالش بین دربار خلافت عباسی با آل خورشید شد. شجاع الدین بعد از مصالحه ای که با دربار خلافت عباسی صورت داد، سی سال دیگر فرمانروایی کرد (نطنزی، ۱۳۸۳: ۵۰-۴۹)

سیاست عمرانی سیف الدین رستم، باعث افزایش تولیدات کشاورزی و رشد سطح زندگی در لر کوچک شد (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۰۵)؛ به گونه ای که برای پخت نان، به جای سوخت، جو می سوزاندند. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۶)

اولین ارتباط اتابکان لر کوچک توسط حسام الدین با مغولان صورت می گیرد. ابن فوطی نیز در زیر وقایع سال ۶۴۲ ه. ق حسام الدین خلیل را از زعمای کردان دانسته که از فرمان خلیفه خارج شد و به مغولان پیوسته بود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۱۱)

در دوران رفتن بدرالدین مسعود به دربار مغولان از وضعیت سیاسی - اجتماعی لرستان آگاهی وجود ندارد. به احتمال بسیار در لرستان یکی از اعقاب خورشیدیان، حکومتی کم رمق و ضعیف با تمایل به دربار خلیفه داشته است. (همان، ۲۱۴-۲۱۳) اتخاذ تصمیم رفتن به دربار خان مغول نشانه آن بود که در دوره حسام الدین خلیل میان مغولان و حکومت اتابکان روابط خوبی برقرار بوده است که به اتکا به آن سابقه، بدرالدین مسعود برای اقامه دعوی سیاسی خود به دربار خان بزرگ رفت. وی از خان مغول درخواست کمک

مستوفی) برین صورت است. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۶۱-۵۶۰) در واقع دیوانسالاری مرکزی با دخالت در امر اداره امور، مامورانی را به منطقه می فرستاد تا سر رشته امور را در دست گیرند. جالب آنکه حکامی که فرستاده شدند تا سال های ۷۳۰ ه.ق در آنجا باقی بودند.

تسلط ماموران مغولی بر امور مالیاتی و احتمالاً دخالت در سایر امور، وضعیت آشفته اجتماعی و نابسامانی اقتصادی-سیاسی آن منطقه را افزایش می داد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۴: ۲۲۲) با روی کار آمدن عزالدین شاخه جدیدی از حکام این سلسله شروع شد. این انتصاب تغییری در شعبه حکومتگر در لرستان را به دنبال داشت؛ به گونه ای که اتابکان بعدی از نسل عزالدین حسین بودند. (اشپولر و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۴)

پیامد دیگر نظام ایلیاتی در لرستان

گره خوردن منافع طبقه حاکم و مردم

(به دلیل عصبیت قبیله ای) بوده است.

نیروهای ایلی، حاکم منطقه را از غلامان جنگی بی

نیاز ساختند و همچون سپاهی همیشه آماده،

نقشی اساسی در دفاع از لرستان ایفا می کردند.

شاید از این روست که حکومت آنان را نه سلطنتی،

بلکه حکومتی عشیره ای می دانند

که از طریق پیوندهای ایلی و سببی و نسبی

اداره می شد.

اتابک عزالدین حسین در قلمرو خود اقدامات و اصلاحاتی را انجام داد. وی کوشید تا از تسلط و زیاده روی های سران طوایف و قبایل نسبت به یکدیگر جلوگیری کند. وی همچنین سعی کرد روابط خود با دربار ابوسعید را به شکلی تنظیم کند که از بروز مشکلات سیاسی و نظامی پرهیز شود. توجه وی به امور رعایا و نظارت بر مسائل درونی جامعه به رونق زندگی اقتصادی و افزایش فعالیت های تولیدی منجر شد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۲۳) وی در سال ۷۳۰ ه.ق فوت کرد.

پس از مرگ عزالدین حسین در سال ۷۳۰ ه.ق، پسرش شجاع الدین محمود به جای وی بر تخت سلطنت نشست. در مورد اتابک شجاع الدین گفته شده که در مقایسه با سایر حکام ولایات، روابط نزدیک تری با دربار سلطان ابوسعید داشت و اکثر اوقات ملازم اردو بود. در حالی که مشخص نیست آیا علت رابطه نزدیک ناشی از اقامت اجباری وی در اردو به هنگام حکومت پدرش بود یا خیر؟ (همان: ۲۲۴) اندکی بعد از به قدرت رسیدن شجاع الدین، ابوسعید ایلخان درگذشت. (۷۳۶ ه.ق) و دوره ای از اغتشاش و آشوب سرزمین ایران را فرا گرفت. بدون شک رقابت های سیاسی و لشکرکشی های امرا علیه یکدیگر، قلمرو اتابک را محل عبور، پناه گیری و گاه صحنه وقوع درگیری ساخته بود؛ بدون اینکه اتابک دخالتی در چنین فعالیت هایی داشته باشد. (همان) در زمان روی کار آمدن وی نامنی، دزدی و غارت به گونه ای بود که زندگی عادی کشاورزان و شبانان دچار اختلال شده بود. وی برای اینکه آن وضعیت نامطلوب را تغییر دهد و شرایطی را فراهم کند که مردم از این بابت آسوده خاطر شوند، اقدامات سخت گیرانه ای را آغاز کرد. اما این سیاست قرین توفیق نبود؛ بلکه آشفتگی و

سال ۶۹۲ ه.ق هر دوی آنها را عزل کرد و به جای آنها جمال الدین خضر را نشانند. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۴۲) امروزه روستایی، مشهور به فلک الدین در شمال غربی خرم آباد وجود دارد که احتمال داده می شود، مقبره ای که با همین نام در آنجا وجود دارد، متعلق به همین اتابک باشد. (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ج ۱، ۱۲۳)

جمال الدین خضر (نهمین اتابک) پسر تاج الدین شاه بود. هدف گیخاتو ایلخان از انتخاب وی، توجه به موقعیت شاخه خاندانی حسام الدین خلیل در میان سران قوم لر بوده است؛ زیرا جمال الدین خضر از شخصیت های مهم شاخه خاندانی حسام الدین بود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۱۸) اما در سال ۶۹۳ ه.ق مخالفان وی با دستگیری عده ای از لشکریان مغول که در نزدیکی خرم آباد یورت داشتند، او و عده ای از نزدیکانش به قتل رسیدند. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۹) در گورستان عمومی خرم آباد کنونی که در جنوب شهر واقع و به خضر معروف می باشد؛ مقبره ای وجود دارد که احتمالاً این مقبره متعلق به اتابک جمال الدین خضر باشد. (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ج ۱، ۱۲۴)

شیخ زین الدین کاموئی که خواهرش همسر اتابک صمصام الدین محمود بود تصمیم گرفت به دربار غازان رفته و با شرح موقوف خواستار قصاص قاتلان داماد و خانواده او شود. غازان خان دستور به احضار حسام الدین عمر داد. برای محاکمه وی مجلسی یارغو به ریاست غازان خان منعقد گردید. در آن جلسه ایلخان خود از حسام الدین پرسید چرا صمصام الدین محمود را کشته است؟ وی آن را دفاع از خود قلمداد کرد. سپس غازان از علت قتل طفل او سوال کرد که وی در پاسخ گفت: برای اینکه روزی او انتقام پدرش را از من نگیرد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۲۲۰)

موقعیت کوهستانی، پوشش گیاهی غنی،

زمین حاصلخیز و آب فراوان نواحی لرستان

سبب شده بود که معیشت عمده مردم این نواحی،

دامداری و کشاورزی باشد

و بدین ترتیب سازمان اجتماعی

بر بنیان نظم ایلیاتی استوار گردد.

در چنین وضعیتی، توان نظامی نیروهای ایلی -

قبیله ای و تضاد هویتی و رقابت اقتصادی

آنها با نیروهای غیر بومی بر سر تسلط

بر چراگاه ها و زمین های کشاورزی مانعی عمده در

راه استقرار و اسکان جمعیت های بیگانه بود.

پس از مرگ عزالدین محمد، همسرش ملکه خاتون به جای او به حکومت رسید. در این زمان دربار ایلخان مغول در وضعیت انتقال قدرت از ایلخان متوفی (الجاتو) به ابوسعید بود. (همان، ۲۲۱) در این دوره «در کار حکومت خلل ها افتاد و رونق ملکی از آن خاندان برفت». (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۶۱-۵۶۰) از جمله خللی که در کارها پدید آمده بود، آشفتگی در امر جمع آوری و ارسال مالیات ها به دربار مغول بود. ایلخان مغول سلطان ابوسعید که وضع را این چنین دید ملکه خاتون را معزول و حکومت را به برادرش عزالدین حسین سپرد. (اشپولر، ۱۳۷۶: ۵۹) از این زمان به بعد نفوذ مغولان در مناطق تحت امر اتابکان لر کوچک بیشتر شده و «بیشتر اوقات احکام از قبل دیوان مغول رفتندی و تاکنون (در زمان حمدالله

پیامد دیگر این وضعیت، گره خوردن منافع طبقه حاکم و مردم (به دلیل عصیت قبیله ای) بوده است. نیروهای ایلی، حاکم منطقه را از غلامان جنگی بی نیاز ساختند و همچون سپاهی همیشه آماده، نقشی اساسی در دفاع از لرستان ایفا می کردند. شاید از این روست که حکومت آنان را نه سلطنتی، بلکه حکومتی عشیره ای می دانند که از طریق پیوندهای ایلی و سببی و نسبی اداره می شد. (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ج ۱، ص ۴۷)

اهمیت کسب رضایت عمومی، موجب گردید که حاکمان و روسای محلی، غالباً رفاه و آسایش مردم را مورد ملاحظه قرار دهند. چرا که ارتقا و بقای آن ها به محبوبیت شان در میان مردم بستگی داشت. (همان: ۵۳)

موقعیت ارتباطی و شهرهای لرستان

لرستان در مسیر دو راه عمده شمال به جنوب و غرب به شرق واقع شده است. راه های باستانی لرستان اغلب از شاهراه هایی است که از دوره های پیش از تاریخ و دوره های تاریخی پیش از اسلام و در عصر اسلام و پس از آن دارای اهمیت زیاد بوده اند. وجود آثار پل هایی از دوره ساسانی بر شاهراه شرق به غرب و تعمیر و تجدید بنای برخی از آنها در عهد حکام اسلامی، موید این نظر است. (همان: ۵۳)

در سده های نخستین اسلامی به دلیل توجه مسلمانان به شرق ایران و پیدایش دو کانون سیاسی عراق و خراسان در تحولات سیاسی اجتماعی سده های نخستین اسلامی، دو شبکه ارتباطی عراق - خوزستان - فارس - ری - خراسان و دیگری عراق - کرمانشاه - همدان - ری - خراسان مورد توجه بود و جغرافیایونسان کمتر به لرستان توجه داشته و اطلاعات کمتری در مورد چگونگی رونق شهرها و توسعه اقتصادی - اجتماعی این منطقه ارائه نموده اند. (دالوند: ۱۳۸۸)

مستوفی شهرهای معمور لرستان در قرن ۸ را بروجرد، خرم آباد و شاپورخواست و شهرهای خراب آن منطقه را کریت، لورش (کوهدشت امروزی) و صیمره می داند؛ اما ذکر می کند که شاپورخواست قبلاً شهری آباد و پایتخت حاکمان آن منطقه بوده ولی در زمان وی (قرن ۸) از رونق افتاده و به صورت قصبه ای در آمده است. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۶۱)

جغرافیایونسان اسلامی که به این منطقه وارد شده اند، شهرهای این استان را ماسبدان به مرکزیت سیروان، مهرجانقدق به مرکزیت صیمره، روزراور (مقدسی آن را شهرک نهادند می داند) (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۸۸) شاپورخواست، لاشتر و بروجرد نام برده اند. مستوفی همچنین از خرم آباد (هیچکدام از جغرافیایونسان سده های نخستین از آن نام نبرده اند) (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۱۷) و از یک شهر دیگری به نام کورش یاد می کند. (مستوفی، ۱۳۸۸: ۷۹) حمدالله مستوفی الشتر، نهاوند، شوشتر و قلمرو بیات را که اواخر قرن ۷ ه.ق به تصرف حکام لر کوچک در آمده بود، جزو این ولایت به شمار نیآورده است. ظاهراً حدود و ثغور قلمرو لر کوچک به دلیل آنکه جزو حوزه حکمرانی اتابکان لر کوچک به عنوان حاکمان نیمه مستقل به شمار می رفت، برای دیوانسالاری مانند حمدالله مستوفی خیلی دقیق و مشخص نبود؛ زیرا وی در مورد برآورد مالیات مأخوذه از آن ولایت بر اساس مسموعات خود سخن می گوید و به صورت قطعی مسئله برایش روشن نبوده است. (موسوی

خرابی قلمرو را تشدید کرد. در نتیجه تشدید نابسامانی ها، نظارت بر امور از دست رفت.

درماندگی و عجز اتابک در اداره امور، منجر به تغییر رفتار و عملکرد او شد. پس از آن رفتاری از خود نشان داد که حکایت از عصبانیت و بروز خشم بود. تحمل این رفتار خشن برای مردم لر کوچک دشوار بود و آنان را به ستوه آورد. آنگاه زمانی که زیاده از حد به اطرافیان خود سختگیری کرد در صدد قتل او برآمدند. به دلیل همدستی و مشارکت شمار زیادی از افراد متنفذ در این قتل، کسی در صدد خونخواهی وی برنیامد. (همان: ۲۲۶-۲۲۵)

لرستان در مسیر دو راه عمده

شمال به جنوب و غرب به شرق واقع شده است.

راه های باستانی لرستان اغلب

از شاهراه هایی است که از دوره های پیش از تاریخ

و دوره های تاریخی پیش از اسلام

و در عصر اسلام و پس از آن دارای

اهمیت زیاد بوده اند.

وجود آثار پل هایی از دوره ساسانی

بر شاهراه شرق به غرب

و تعمیر و تجدید بنای برخی از آنها در عهد حکام

اسلامی، موید این نظر است.

شجاع الدین محمود (۷۵۰-۷۳۰ ه.ق) آخرین اتابک در عصر ایلخانان بود. در فاصله بین حکومت مغول و تیموریان، اتابکان تا حدی تابع آل مظفر بودند؛ اما تیمور سرزمین لر کوچک را به باد غارت داد. بعد از آن اتابکان دیگری روی کار آمدند که آخرین آنها شاهوردی خان بود و توسط شاه عباس صفوی در سال ۱۰۰۶ ه.ق به قتل رسید. به این ترتیب با کشته شدن وی، دوران حکمرانی ۵۷۰ ساله اتابکان لر کوچک (۱۰۰۶-۵۸۰ ه.ق) به پایان می رسد و دوره جدیدی از والیان لرستان شروع می شود.

پس از سقوط ابوسعید ایلخانی که اتابکان متعدد و بازماندگان خاندان ایلخانی و سران و سرکردگان صحراگرد ترک و مغول محدوده و قلمرو همدیگر را مورد تهاجم و غارت قرار می دادند و یا اختلافات درون خانوادگی آل مظفر تداوم و استقلال آنها را با مشکل مواجه کرده بود؛ اتابکان لر کوچک همچنان از استقلال محلی برخوردار بودند و حتی حمله امیر تیمور به لر کوچک و اسارت عزالدین حسین خورشیدی نتوانست حاکمیت خاندان خورشید در لرستان را از بین ببرد و پسر عزالدین احمد را به جای وی به حکومت رسید (بهرامی، ۱۳۷۷: ۱۰۶) تداوم حاکمیت اتابکان لر کوچک به مدت ۵ قرن حکایت از تسلط و نفوذ بیش از حد این حکومت محلی در میان مردم این منطقه کوچک دارد. (همان)

موقعیت کوهستانی، پوشش گیاهی غنی، زمین حاصلخیز و آب فراوان نواحی لرستان سبب شده بود که معیشت عمده مردم این نواحی، دامداری و کشاورزی باشد و بدین ترتیب سازمان اجتماعی بر بنیان نظم ایلیاتی استوار گردد. در چنین وضعیتی، توان نظامی نیروهای ایلی - قبیله ای و تضاد هویتی و رقابت اقتصادی آن ها با نیروهای غیر بومی بر سر تسلط بر چراگاه ها و زمین های کشاورزی مانعی عمده در راه استقرار و اسکان جمعیت های بیگانه بود. (قاسمی و طاهری، ۱۳۷۷: ۱۵۶)

در مورد مردم نهایند آنها را کرد می داند. (مستوفی، ۱۳۸۱: ۸۳) شاید منظور آنها لک بوده است چرا که مردم این مناطق لک زبان هستند.

یکی دیگر از مولفه های فرهنگ جایگاه زنان در جامعه مورد نظر است. بارتولد در مورد جایگاه زن در میان عشایر لرستان می گوید: «وضعیت زن در نزد آنان مثل تمام صحرائشینان به مراتب بهتر از وضعیتی است که زنها در نزد مسلمانان ساکن دارا هستند، حتی زنان لرهایی که زندگانی ساکن اختیار کرده اند بدون حجاب اند.» (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۹۶) لایارد یکی از سیاحانی که در زمان قاجار به لرستان سفر کرده معتقد است که زنان عشایری برخلاف زنان شهری تظاهر به خجالت و کم رویی نمی کنند. (آریا، ۱۳۷۶: ۴۰) یکی از ویژگی های مردم لر مهمان نوازی آنهاست. لایارد در سفرش به لرستان، از لرها محبت زیاد می بیند و به گفته خود از تضاد این مهربانی با آنچه از وحشی گری و آدم کشی لرها شنیده در شگفت می ماند. (همان: ۴۲) ساختار اقتصادی منطقه لرستان بر کشاورزی و دامداری استوار بوده و سه نوع شیوه زندگی در لرستان وجود دارد: شهری، روستایی و عشایری و به تبع آن سه نوع صنایع دستی شهری، روستایی و عشایری وجود دارد. صنایع عشایری محصولاتی چون گلیم، فرش، جل اسب و چادرسیاه می باشد. (ایزدینا، ۱۳۵۰، جلد ۲: ۲۹۹) فریا استارک هندی می های صیمره را در گیوه بافی معروف می داند. (استارک، ۱۳۶۴: ۱۳۵) راولینسون یکی از منابع اصلی مردم لرستان را پرورش قاطر دانسته و آن را بهترین قاطر ایران می داند. وی همچنین یکی دیگر از منابع درآمد طایفه های لر را تهیه زغال مصرفی همدان و بروجرد می داند. (آریا، ۱۳۷۶: ۳۷) بارون دوبد سیاح روسی، صنایع شهری بروجرد در عصر قاجار را بافتن چیت گلدار می داند که در سراسر ایران مشتری داشته که حتی به ولایات مسلمان نشین روسیه هم فرستاده می شده است. وی همچنین ذکر کرده که ۵۰ کارگاه چاپ پارچه پنبه ای در بروجرد وجود داشته است. (همان: ۵)

بارون دوبد سیاح روسی

که به لرستان سفر کرده لرستان را همواره به چشم یکی از متمدن ترین ولایات دانسته اند و فریا استارک خصوصیات مردم لرستان را به ساکنین کوه های آلپ تشبیه کرده است. گویا این تتمد و زیر بار نرفتن از ماهیت کوهستانی بودن منطقه ناشی می شود. زندگی در کوه های سخت، آنان را مردمی سرسخت، بی اعتنا به خطر و خشن و جنگجو بار آورده است.

به دلیل کوهستانی بودن و داشتن مراتع خوب زندگی عشایری در لرستان رونق داشته است و بیلاق و قشلاق می کرده اند. فریا استارک در این زمینه می گوید: «در بهاران ایلات لر برای استفاده از چراگاه ها به دامنه کبیر کوه می آیند.» (استارک، ۱۳۶۴: ۱۰۲) بارتولد اکثر لرهای ساکن را در نواحی شمالی نزدیکی همدان و بروجرد و نهایند می داند و می گوید «صحرائشینان به طوایف متعددی منقسم شده اند و هر یک تو شمال یا قاندی دارند.» (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۹۶) وی در زمینه خودسری رئیس عمده لرهای

بجنوردی، ۱۳۹۴: ۱۹۱)

در دوره آل بویه، شهرهای شاپور خواست، بروجرد و نهایند تحت سلطه حسویه که دولت خود را در دینور ساخته بودند، درآمد. (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۱۶) توجه وافر بدر بن حسویه به شاپورخواست باعث افزایش اعتبار و اهمیت آن در نتیجه پررنگ شدن نام این شهر در کتب جغرافیایی و تاریخی بعد آن شده است. (مهجور: ۱۳۹۳)

در آغاز قرن ۷ به دلیل اختلافاتی که میان اتابکان با خلفای عباسی پدید آمده بود، نزاع های منطقه ای میان حکمرانان خلیفه عباسی (از جمله سلیمان شاه ایوه ای) با اتابکان لر کوچک باعث بروز برخی تغییرات در قلمرو شمال و شمال غرب آنان شد. در این جنگ ها لرها ابتدا قلعه بهار را در نزدیکی همدان که مقر سلیمان شاه بود تصرف کردند؛ اما سیاست همگرایی اتابکان لر کوچک با مغولان باعث شد تا حدود قلمرو لر کوچک که تحت حکمرانی آنان بود در نیمه اول قرن ۷ ثابت بماند. بعدها در دوره حکومت فلک الدین حسن و عزالدین حسین فرزندان بدرالدین مسعود، از نهایند تا شوشتر و از اصفهان تا مناطق عرب نشین جزء لر کوچک شد. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۸)

ساختار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی لرستان در دوره ایلیخانان

یکی از مولفه های فرهنگ، زبان می باشد. زبان مهم ترین وسیله ارتباط اجتماعی انسان و عامل مهم انتقال فرهنگ می باشد؛ همچنین زبان بارزترین ویژگی هویت قومی و فرهنگی در میان جوامع انسانی است. هر زبان دارای گویش های مختلفی است. گویش های زبان لری نزدیک ترین گویش های ایرانی به زبان فارسی هستند و واژه های آن همانندی بسیاری با فارسی دارد. یاکوب ادوارد پولارک، یکی از سیاحان اروپایی که به لرستان سفر کرده است لرها و لک ها را با فارس ها نزدیک می داند. (آریا، ۱۳۷۶: ۵۹)

یکی دیگر از مولفه های فرهنگ

جایگاه زنان در جامعه مورد نظر است.

بارتولد در مورد جایگاه زن

در میان عشایر لرستان می گوید

«وضعیت زن در نزد آنان مثل تمام صحرائشینان به

مراتب بهتر از وضعیتی است

که زنها در نزد مسلمانان ساکن دارا هستند،

حتی زنان لرهایی که زندگانی ساکن اختیار کرده اند بدون حجاب اند.»

لایارد یکی از سیاحانی که در زمان قاجار به لرستان

سفر کرده معتقد است

که زنان عشایری برخلاف زنان شهری تظاهر به

خجالت و کم رویی نمی کنند.

لرستان را از نظر گویش می توان به مناطق لرنشین، مناطق لک نشین و مناطق بختیاری و بروجردی تقسیم کرد. فریا استارک شمال لرستان را که از طریق جلگه نهایند وارد آنجا شده بود و همچنین مردمان ساحل شرقی صیمره را لک می داند. (استارک، ۱۳۶۴: ۷۲-۷۱) حافظ ابرو مردم لرستان را کرد می داند. مستوفی نیز

به ابوالوفا وجود دارد که ساکنان آن همه علی الهی هستند. این مقبره مدفن سید ابوالوفا یکی از یاران برجسته سلطان اسحاق رهبر این فرقه است. فریا استارک در مورد علی الهی ها می گوید: «گفته می شود که می توانند آتش بخورند و یا در آتش بنشینند. لرهای درست اعتقاد آنها را مسلمان نمی دانستند بلکه کافر می خوانند.» (استارک، ۱۳۶۴: ۵۱) اما ایزد پناه این فرقه را ایرانیان اصیل و وطن پرست می داند. (ایزدپناه، ۱۳۵۰، ج ۲: ۲۹۹)

در قرن یازدهم اسکندریه منشئی در تاریخ عالم آرای عباسی از ولایت لر کوچک یاد نموده و می نویسد: «مجملا طایفه لر کوچک که در ولایت خرماباد (خرم آباد)، خاوه، الیستر، صدمره (صیمره) و هدمین (هرسین) اقامت دارند، از قدیم الایام به تشیع موصوفند.» (ایزدپناه، ۱۳۵۰، ج ۲: ۳۰۳) اما از زمان ساسانیان گروههایی از مسیحیان و یهودیان در دهکده کرخه مستقر شدند. (پشتدار، ۱۳۷۶: ۷۱) فریا استارک هم می گوید: «در روزگاران قدیم در سرزمین پشتکوه یهودی ها و مسیحیان نیز مستقر بوده اند.» (استارک، ۱۳۶۴: ۷۱) گویا این یهودیان همچنان در لرستان باقی مانده بودند چنانکه بارون دوید سیاح روسی در زمان محمدشاه قاجار به خرم آباد سفر می کند به محله مجزای یهودی نشینان در خرم آباد اشاره کرده و آنان را بالغ بر ۴۰ تا ۵۰ هزار خانوار می داند. (آریا، ۱۳۷۶: ۵۰-۴۹)

بارون دوید در باب مذهب مردم لرستان، آنها را تا حد زیادی از مذهب بی اطلاع و بی تفاوت می داند. (همان: ۵۳) اما فریا استارک لرها را شیعه مذهب دانسته و می گوید: «از تعصبی که مانع روح مهمان نوازی آنها بشود اثری دیده نمی شود و پیروان مذاهب دیگر را اذیت نمی کنند.» (استارک، ۱۳۶۴: ۳۵) احتمالاً این مدارا و تساهل دینی آنها به بی تفاوتی به دین تعبیر شده است.

آثار تاریخی لرستان

لرستان از نخستین سکونتگاهها در دوران پیش از تاریخ به شمار می رود. طبق نظر گیرشمن، نقاشی های باستانی غارهای همیان و میر ملاس واقع در کوهدشت احتمالاً مربوط به دوران گردآوری خوراک بوده اند. (ایزدپناه، ۱۳۵۰، ج ۱: ۳۵۴-۳۴۲) آثار و اشیاء و ظروف برنزی به دست آمده از سرخ دم واقع در کوهدشت زینت بخش موزه های خصوصی و ملی بیشتر کشورهاست. معبدی که در سرخ دم وجود دارد مربوط به پیش از هزاره اول قبل از میلاد است. در این معبد نفوذ آشوریان در میان هزاره دوم و اول را نشان می دهد. (همان: ۳۴۱-۳۳۷)

تنگ چوبینه: یکی دیگر از مکان های باستانی لرستان تنگه چوبینه واقع در صیمره است. این تنگه دژی دارد که اقامتگاه بیلاقی بهرام چوبینه، سردار ساسانی بوده است. (همان: ۴۷۸)

قلعه فلک الافلاک: این قلعه در میان شهر خرم آباد مشرف بر رودخانه ای که از شرق آن می گذرد، ساخته شده است. تاریخ بنا و نام سازنده آن معلوم نیست؛ ولی در گذشته به نام قلعه شاپورخواست مشهور بوده است. این ادعا که گفته می شود قلعه در زمان اتابکان لر کوچک ساخته شده، نمی تواند درست باشد. احتمالاً این سلسله در تعمیر بنای آن کوشش داشته اند. در ظرفنامه در زمان تیمور نام آن قلعه خرم آباد آمده است. (همان: ۱۱۱-۱۰۹)

سنگ نوشته: این سنگ نوشته شهر خرم آباد بر سر راه تهران-

فیلی که صاحب لقب عربی «والی» و درجه امیرتومانی هستند می گوید: «وی در حقیقت امر تقریباً مستقل و در قید اطاعت دولت ایران نیست و حتی مالیات هم به دولت نمی دهد.» (همان) بارون دوید سیاح روسی که به لرستان سفر کرده در این زمینه می گوید: «لرستان را همواره به چشم یکی از متمدنترین ولایات دانسته اند.» در آثار البلاد نیز در مورد مردم جبال که لرستان هم جزئی از آن است، آمده که «هر کس والی این ولایت شود، خودسری آغاز نهند و نخواهند که اطاعت از کسی کنند.» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۰۵) اما فریا استارک خصوصیات مردم لرستان را به ساکنین کوه های آلپ تشبیه کرده است. (استارک، ۱۳۶۴: ۶۷) گویا این تتمدن و بار نرفتن از ماهیت کوهستانی بودن منطقه ناشی می شود. زندگی در کوه های سخت، آنان را مردمی سرسخت، بی اعتنا به خطر و خشن و جنگجو بار آورده است. (ساک، ۱۳۴۳: ۲۸۶)

مذهب مردم لرستان شیعه دوازده امامی است. مستوفی مردم نهاوند را شیعه دوازده امامی می داند. (مستوفی، ۱۳۸۱: ۸۳) بدون شک گسترش تشیع در میان طوایف متعدد کوچ نشین و کوه نشین لر محصول دوره مغول بود. گسترش مذهب تسنن تا قبل از هجوم مغول و تسلط دارالخلافه بغداد در میان طوایف متعدد لر قبل از متحد شدنشان به دست شجاع الدین خورشید همچنان که از خلال منابع بر می آید بیانگر مطیع بودن و علاقه آنها به مذهب تسنن است چنان که حتی اواخر امارت این اتابکان محلی آنان را اتابکان عباسی نیز می نامیدند.

در دوران بعدی شاهد گسترش تشیع و ظهور طریقت های صوفیانه و مشایخ و بزرگانی مانند بابا رستم، بابا بزرگ، خان الماس لرستانی و ... بود، چنان که امروزه نیز برخی از طوایف بزرگ لر از جمله طوایف سلسله و دلفان همچنان شیعه غالی باقی مانده اند. (بهرامی، ۱۳۷۷: ۱۰۷)

بارون دوید

در باب مذهب مردم لرستان،

آنها را تا حد زیادی از مذهب بی اطلاع

و بی تفاوت می داند.

اما فریا استارک لرها را شیعه مذهب دانسته

و می گوید: از تعصبی که

مانع روح مهمان نوازی آنها بشود

اثری دیده نمی شود و پیروان مذاهب دیگر

را اذیت نمی کنند

احتمالاً این مدارا و تساهل دینی

آنها به بی تفاوتی به دین تعبیر شده است.

در لرستان شیعیانی وجود دارند که به علی الهی (اهل حق) معروف می باشند. (همان: ۵۱) در دلفان طایفه های نیرالی و چواری، پیرو مذهب اهل حق (ساک، ۱۳۴۳: ۱۳۸) و دارای تشکیلات مذهبی هستند. گروهی دیگر از همین طایفه در منطقه بلوران در طرهان زندگی می کنند. (ایزدپناه، ۱۳۵۰، ج ۲: ۲۹۹) مقبره ای به نام داود رشید در کوهدشت وجود دارد که زیارتگاه پیروان علی الهی می باشد. بعضی معتقدند که داود رشید یکی از خاندان شجاع الدین خورشید سر سلسله اتابکان لر کوچک بوده است. (همان: ۳۷۷-۳۷۶) همچنین در دهکده ای در غرب کوهدشت مقبره ای مشهور

می شود، ساخته شده است. راه غربی را که از سیمره و طرهان می آمده به شاپورخواست مربوط می ساخته است. (همان، ج ۱: ۱۰۶)

۲. پل کشکان: (ساک، ۱۳۴۳: ۲۱۸-۲۱۵) نام این پل در تاریخ گزیده حمدالله مستوفی کژکی آمده است. (ایزدپناه، ۱۳۵۰، ج ۱: ۲۵۵) این پل بر سر راه باستانی طرهان به شاپورخواست زده شده بود. این پل در قرن چهارم هجری در زمان بدر بن حسنویه ساخته شده است. در سال ۳۸۸ هجری ساخت آن شروع و در سال ۳۹۸ هجری به اتمام رسیده است. پایین تر از این پل پایه های پلی مربوط به دوره ساسانی دیده می شود که تنها قسمتی از چهار پایه آن دیده می شود و بقیه آن از بین رفته است. (همان: ۲۵۳)

۳. پل کرو دختو: این پل که از آثار دوره ساسانیان است در غرب سرطرهان، بر روی رود سیمره و در تنگ ترین بستر رود زده شده است و طرهان را به خاک صیمره و هلیلان مربوط می سازد. (همان: ۳۲۷-۳۲۸) این پل به احتمال زیاد در دوره ساسانی ساخته شده ولی در قرن چهارم هجری ترمیم شده است. (همان، ج ۲: ۳۴)

۴. پل دختو: از بناهای دوره ساسانی است که بر روی رودخانه کشکان ساخته شده است و در مسیر ارتباطی شهر شاپورخواست و جندی شاپور قرار داشته است این پل در قرن چهارم هجری مرمت شده است.

۵. پل گاو میشان: این پل در شرق سیمره نزدیک محلی که آب رود کشکان و سیمره به هم می ریزند، ساخته شده است. پایه های این پل مربوط به دوره ساسانیان می باشد؛ اما در زمان بدر بن حسنویه ساخته شده است. (همان، ج ۱: ۴۸۸-۴۸۷)

۶. پل کلهر (مشهور به پل ممولو): این پل بر روی رودخانه کشکان زده شده است که در سال ۳۷۴ هجری به دستور بدر بن حسنویه ساخته شده است. (همان، ج ۲: ۳۳)

۷. پل کاکارضا: این پل در راهی که از الشتر به خرم آباد و یا شاپورخواست می رفته، ساخته شده است. پایه های پل مربوط به پیش از اسلام بوده ولی گویا در دوره بدر بن حسنویه، این پل تجدید بنا گردیده است. (همان: ۲۷۹)

نتیجه گیری:

لرستان از نخستین سکونتگاهها در دوران پیش از تاریخ به شمار می رود. موقعیت استراتژیک لرستان در دوره پیش از تاریخ و در دوره ایلامی ها و هخامنشیان و بخصوص در دوره ساسانیان و وجود پل های تاریخی در این منطقه نشان از اهمیت این منطقه داشته است. اما در قرون نخستین اسلامی به دلیل صعب العبور بودن راه های این منطقه و همچنین به دلیل توجه مسلمانان به شرق ایران و دو شبکه ارتباطی عراق - خوزستان - فارس - ری - خراسان و دیگری عراق - کرمانشاه - همدان - ری - خراسان که مورد توجه بود؛ لذا جغرافیایان کمر به لرستان توجه داشته و اطلاعات کمتری در مورد چگونگی رونق شهرها و توسعه اقتصادی - اجتماعی این منطقه در سده های نخستین اسلامی ارائه نموده اند.

در دوره سلجوقیان و روی کار آمدن امرای محلی، باعث شکل گیری اتابکان لر گشته و در نتیجه حکومت های نیمه مستقلی در این مناطق تحت عنوان اتابکان لر کوچک و لر بزرگ روی کار آمد. لرستان و ایلام امروزی حوزه نفوذی اتابکان لر کوچک بود. همگرایی اتابکان لر کوچک با مغولان، موجب تثبیت قلمرو لر کوچک در نیمه قرن ۷ هجری شد. بعدها با سرنگونی خلیفه عباسی

خوزستان که قبل از عهد اتابکان و در زمان سلجوقیان در این محل نصب گردیده است. متن آن را چنانچه علامه قزوینی خوانده مربوط به عهد محمود بن محمد بن ملکشاه می باشد. (ساک، ۱۳۴۳: ۲۲۷-۲۲۶)

مناره: در شهر خرم آباد که ارتفاع آن نزدیک به ۲۷ متر می رسد و از آثار اتابکان لر می باشد. (همان: ۲۲۶)

امامزاده جعفر: در شرق شهر بروجرد در میان گورستانی قدیم بقعه ای است که متعلق به یکی از خاندان ائمه می باشد. این بقعه نمونه ای از معماری عصر سلجوقی است. درگاه ورودی مقبره با کاشی های عصر صفوی و قاجاری مزین شده است. (ایزدپناه، ۱۳۵۰، ج ۲: ۵۲۱-۵۱۶)

مسجد جامع بروجرد: در شرق بروجرد مسجدی قدیمی وجود دارد که از بناهای کهن شهر محسوب می شود. ظاهراً این یکی از دو مسجدی است که حمدالله مستوفی در نزه القلوب از آن یاد کرده است. این مسجد در قرون نخستین اسلام ساخته شده است. اهالی معتقدند که بنای اصلی این مسجد آتشکده بوده است. شواهد و کتیبه های گوناگون از بازسازی آن در دوره های سلجوقی، صفوی و قاجار خبر می دهند. (همان، ۵۲۵-۵۲۱)

مقبره زید بن علی: این مقبره در شهر خرم آباد قرار دارد و گفته می شود که متعلق به زید بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب می باشد. طبق سنگ نوشته ای که به خط کوفی نوشته شده این مقبره برای اولین بار در سال ۴۰۴ هجری به فرمان بدر بن حسنویه ساخته شده است. (همان، ج ۱: ۱۴۶-۱۴۵)

گنبد بابا بزرگ: در غرب دلفان در دره ای بین کوه محراب و دامنه های سرکشتی گنبدی است که به بابای بزرگ مشهور است. این گنبد را متعلق به یکی از فرزندان امام موسی کاظم می دانند. تمام گنبد با سنگ و آجر ساخته شده است. داخل حرم به طرز بسیار جالبی کاشی کاری شده است. سنگ قبری مرمی با حاشیه ای به خط کوفی وجود دارد که این سنگ متعلق به قرن ششم هجری می باشد. (همان، ج ۲: ۳۱۱-۳۱۰)

ویژگی های طبیعی و جغرافیایی لرستان

بر ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن تأثیر گذاشته است؛ زندگی شبانی و کوچ نشینی، مهمان نوازی و سخت کوشی و خشن بودن آنها، مدارای دینی آنها به گونه ای که مسیحیان و یهودیان در این قلمرو مستقر بوده اند، همگی متأثر از ویژگی های اقلیمی آنها می باشد.

پل های تاریخی:

وجود کوهها و دره های پر آب در منطقه لرستان، ساخت پل ها برای برقراری ارتباط در این مناطق را ضرورت بخشیده است. از دوره های هخامنشیان و ساسانیان و دوران اسلامی پل های فراوانی به جای مانده است که در اینجا به ذکر مواردی پرداخته می شود:

۱. پل شاپوری: این پل که یکی از بناهای دوران ساسانی است، در غرب شهر شاپورخواست ساخته شده بود. این پل بر روی رودخانه ای که از دره ها و کوه های شمالی و چشمه های خرم آباد جاری

مینورسکی، ایران شناخت، زمستان ۱۳۷۶، شماره ۷.

۱۸. جونی، عطاملک محمد، تاریخ جهانگشای، تصحیح علامه محمد قزوینی، ج ۲ و ج ۳، چاپ چهارم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۵.

۱۹. حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی، به اهتمام صادق سجادی، چاپ اول، ج ۲، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵.

۲۰. دلوند، حمیدرضا، تاریخ و معماری دژ شاپورخواست، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۸.

۲۱. دیاکونف، میخایلوویچ، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، تهران: نشر پیام، ۱۳۵۷.

۲۲. دلوند، حمیدرضا، تاریخ و معماری دژ شاپورخواست، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۸.

۲۳. ساکی، محمدعلی، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، چاپ اول، خرم آباد: کتابفروشی محمدی، ۱۳۴۳.

۲۴. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثارالبلاد و اخبار العباد، ترجمه با اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳.

۲۵. گیشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.

۲۶. لسترنج، گی، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، ج ۱، چاپ سوم، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۷.

۲۷. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.

۲۸. مستوفی، حمدالله، نزه القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۱.

۲۹. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۰.

مقالات:

۱. بهرامی، روح ا..، اتابکان خورشیدی و دولت صفوی، فصلنامه لرستان پژوهی، سال اول، شمار ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۷.

۲. قاسمی، علی و علی طاهری، زمینه های دیرپایی حکومت دودمان های محلی اتابکان لر کوچک و اردلان، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام سال دهم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۸.

۳. مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.

۴. موسوی بجنوردی، کاظم و دیگران، تاریخ جامع ایران، ج ۹، چاپ دوم، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۴.

۵. مهجور فیروز و مهتاب اسلامی نسب، جغرافیای تاریخی شهر شاپورخواست از قرن ۳ تا ۸ ه.ق، مجله مطالعات ایرانی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، سال سیزدهم، شماره ۲۶.

۶. یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۷. یعقوبی، احمدبن یعقوب، البلدان، ترجمه محمد آیتی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.

به دست هلاکو، حوزه قلمرو اتابکان لر کوچک گسترش یافت به گونه ای که در دوره عزالدین و فلک الدین، از ولایت همدان تا شوشتر در خوزستان و از ولایت اصفهان تا حدود ملک عرب در قبضه تصرف آنها بود. روی کار آمدن ایلخانان، حکومت نیمه مستقل اتابکان لر کوچک را تثبیت کرد به گونه ای که این سلسله تا سال ۱۰۰۶ هجری تداوم یافت و سرانجام شاه عباس صفوی به عمر آن پایان داد.

ویژگی های طبیعی و جغرافیایی لرستان بر ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن تأثیر گذاشته است؛ زندگی شبانی و کوچ نشینی، مهمان نوازی و سخت کوشی و خشن بودن آنها، مدارای دینی آنها به گونه ای که مسیحیان و یهودیان در این قلمرو مستقر بوده اند، همگی متأثر از ویژگی های اقلیمی آنها می باشد. امید است این تحقیق و تحقیقات آینده در مورد لرستان باعث شناساندن بهتر و عمیق تر این سرزمین کهن باشد.

منابع:

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، ترجمه علی هاشمی، ج ۱۵، تهران: علمی، ۱۳۵۱.

۲. ابن حوقل، ابوالقاسم، صوره الرض، ترجمه جعفر شعار، ج ۲، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.

۳. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله، المسالک الممالک، ترجمه حسن قره چانلو، تهران: نشر نی، ۱۳۷۰.

۴. استارک، فریا، سفرنامه الموت و لرستان و ایلام، ترجمه محمدعلی ساکی، چاپ دوم، تهران: علمی، ۱۳۶۴.

۵. اشپولر و دیگران (بازورث، سومر، کاهن)، ترکان در ایران، ترجمه یعقوب آژند، چاپ سوم، تهران: مولی، ۱۳۹۴.

۶. اشپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمد میرآفتاب، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

۷. اصطخری، ابواسحاق، المسالک و الممالک، به تصحیح ایرج افشار، چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاری، ۱۳۷۳.

۸. افشار سیستانی، ایرج، ایلام و تمدن دیرینه آن، چاپ سوم، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

۹. اقبال، عباس، تاریخ مغول، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷.

۱۰. ایزد پناه، حمید، جغرافیای تاریخی لرستان، جلد ۱ و ۲، خرم آباد، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.

۱۱. آریا، محمدحسین، لرستان در سفرنامه سیاحان، چاپ اول، تهران: فکر روز، ۱۳۷۶.

۱۲. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، چاپ سوم، تهران: توس، ۱۳۸۶.

۱۳. بدلیسی، شرف خان بن شمس الدین، شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)، به اهتمام ولادیمیر ولیمینوف، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.

۱۴. بلاذری، احمدبن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، چاپ اول، تهران: سروش، ۱۳۶۴.

۱۵. بلاذری، احمدبن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، چاپ اول، تهران: سروش، ۱۳۶۴.

۱۶. بهمنش، احمد، تاریخ ملل مشرق، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.

۱۷. پشندار، علی محمد، لرها و لرستان از دیدگاه ولادیمیر